

حضرت عسکری (ع) طلایه‌دار عبادت و عرفان



عبادت، ستایش و عشق به معبود همواره در فطرت همه انسانها وجود دارد و آنان در کوران حوادث و در هنگام بروز پیشامدهای سخت و مشکلات طاقت‌فرسای زندگی، از این موهبت فطری خویش بهره می‌گیرند؛ به این جهت در همه ادیان و مذاهب برای عبادت جایگاه ویژه و آداب و رسوم خاصی منظور شده است. اما از آنجایی که برخی از انسانها راه و روش عبادت صحیح را نمی‌دانند و گاهی در این وادی راه خطا می‌پویند، خداوند متعال انبیا و اولیای خویش را مأمور نموده است که راه صحیح عبادت، لوازم و آثار و مواعین آن را به آحاد بشر بیاموزند و راه و روش عشق ورزیدن به معبود حقیقی را به آنان نشان دهند.

در بخش نخست این نوشتار که به مناسبت شهادت امام حسن عسکری علیه‌السلام در ماه ربیع الاول ارائه گردید، با گوشه‌هایی از سیره و سخن آن حضرت در زمینه عبادت و عرفان آشنا شدیم، در اینجا نیز به نقل و توضیح فرازهایی دیگر از رهنمودها و رفتارهای عبادی آن حجت الهی می‌پردازیم:

مناجاتهای دلنواز

سالکان حقیقت طلب و نیایشگران عاشق، صفای باطن و راحتی روح بلند خود را در مناجاتهای شبانه و خلوت‌های عارفانه با حضرت دوست می‌دانند. آنان آرام جان غمناک و شفای دل دردناک خویش را در راز و نیاز با پروردگار عالمیان می‌یابند و چاره حل همه مشکلاتشان را به دست او می‌بینند. این عارفان بلند همت هرگز راحتی خود را جز در رضای حضرت حق نمی‌طلبند و پیوسته در زیر لب زمزمه می‌کنند:

مهر رخت سرشت من خاک درت بهشت من

راحت من رضای تو عشق تو سرنوشت من

امام عسکری علیه‌السلام در یک سخن عارفانه‌ای فرمود: «مَنْ آتَى يَاللَّهَ إِسْتَوْحِشَ مِنْ النَّاسِ؛ هر کس با خداوند متعال انس بگیرد، از مردم وحشت می‌کند.» همچنان که مولای عارفان علی علیه‌السلام چنین بود؛ هنگامی که معاویه از ضرار بن ضمره لینی [یکی از یاران باوفا و از عاشقان علی علیه‌السلام] در مورد حالات امیرمؤمنان سؤال نمود، او در فرازی از پاسخ خود حالات امام را چنین توصیف کرد: «يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَزَهْرَتِهَا وَيَسْتَأْتِسُ بِاللَّيْلِ وَوَحْشَتِيَه؛ 2: علی علیه‌السلام از [دلبستگی] به دنیا و مظاهر آن وحشت می‌نمود و با شب و وحشت آن کاملاً مانوس بود.»

ناگفته پیداست که منظور از انس با خدا و دوری از مظاهر غیرخدایی، گوشه‌گیری، انزواطلبی و رهبانیت نیست، بلکه منظور خلوت با پروردگار عالمیان می‌باشد که سرچشمه تمام نیکها، زیباییها و قدرتهاست. اساسا هر عمل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ارتباط با مردم که در راستای رضایت حضرت حق انجام می‌گیرد، نوعی انس با خداوند و امری پسندیده و موجب خشنودی خداوند متعال خواهد بود.

امام حسن عسکری علیه‌السلام در فرازهایی از مناجات‌دلیشین خود با آفریدگار جهان هستی، چنین راز و نیاز می‌کند: «یا مَنْ مَوَاعِيذُهُ صَادِقَةٌ، یا مَنْ آيَادِيهِ فَاضِلَةٌ، یا مَنْ رَحْمَتُهُ وَاسِعَةٌ، یا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى، وَخَلْقُهُ بِالْمَنْزِلِ الْاَدْنَى... فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ وَاهْدِنِي مِنْ عَيْدِكَ وَأَفْضَلِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِيلُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ وَشَتَانَا مَا بَيْنَنَا يَا حَتَّانَ يَا مَتَّانَ، یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ؛ 3: ای خدایی که در وعده‌هایش راستگوست! ای آفریدگاری که نعمتهایش افزون است! ای کسی که سایه رحمتش گسترده است! ای دادرس دادخواهان! ای اجابت کننده دعای بیچارگان! ای کسی که در بالاترین مرتبه قرار داری و آفریده‌هایت در پایین‌ترین منزل جای دارند!... بر محمد و آل او درود فرست و مرا خودت هدایت کن و فضل خودت را بر من افاضه کن و رحمت خود را بر من فراگیر ساز و برکات خودت را بر من نازل گردان، همانا که تو پروردگار بزرگ هستی و من بنده ضعیف و ناتوان؛ و چقدر تفاوت است بین من و تو، ای خدای مهربان و بخشاینده و ای صاحب جلال و بزرگواری.»

دستورالعمل‌های عرفانی

حضرت عسکری علیه‌السلام در رهنمودها و دستورالعمل‌های مختلفی مردم را به رفتارهای انسانی و سلوک معنوی دعوت می‌نمود. آن بزرگوار گاهی در نامه‌های خصوصی و عمومی مطالب خویش را به مشتاقان حقیقت عرضه می‌داشت. یکی از دستورالعمل‌های امام عسکری علیه‌السلام که برای جویندگان سعادت بویژه شیعیان راهگشا و قابل تأمل است، رهنمود آن حضرت در ضمن نامه‌ای به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری⁴ از اصحاب مورد اعتماد آن وجود گرامی است؛ پیشوای یازدهم در فرازی از آن رهنمود چنین می‌نگارد: «فَاعْلَمْ يَقِينَا یا إِسْحَاقُ! آتَهُ مَنْ خَرَجَ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا اَعْمَى فَهَوَّ فِي الْاٰخِرَةِ اَعْمَى وَاضَلَّ سَبِيْلًا، يَا بْنَ إِسْمَاعِيْلَ! لَيْسَ تَعْمَى الْاَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوْبُ الَّتِي فِي الصُّدُوْر، وَذَلِكَ قَوْلُ اللّٰهِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ عَنَ الظَّالِمِ اِذْ يَقُوْلُ «رَبِّ لِمَ حَسْرَتْنِي اَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيْرًا قَالَ كَذٰلِكَ اَتٰتَكَ اٰيَاتُنَا قَتْسِيَّتِهَا وَكَذٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى»؛ 6: ای اسحاق! یقینا بدان هر کس از این دنیا نابینا [و گمراه] رود او در آخرت نیز نابینا و گمراه خواهد بود. ای پسر اسماعیل! مقصود از نابینایی، کوری چشم نیست، بلکه قلبهایی که در اندرون سینه‌ها قرار دارد کور می‌شوند و این همان سخن پروردگار متعال است که در کتاب محکم خویش از زبان ستمگری حکایت می‌کند که وی [هنگامی که روز قیامت نابینا محسوس می‌شود با اعتراض به خداوند] می‌گوید: «خداوند! چرا مرا نابینا محسوس کردی، در حالی که در دنیا بینا بودم. خداوند می‌فرماید: همچنان که در دنیا آیات ما به تو رسید و آنها را به فراموشی سپردی، همینطور امروز تو از فراموش شدن شادگانی.»

دستاوردهای عبادت

سلوک عرفانی و عبادت، انسان را به سوی کمال مطلق سوق می‌دهد و به همین جهت می‌تواند دستاوردها و آثار مثبت فراوانی را در زندگی انسان در پی داشته باشد. عظمت روحی، تعالی روانی و فکری، آثار جسمی، رفتاری و اجتماعی، مهار هوا و هوس، تقویت باورهای توحیدی، ترقی نیروی ادراکی و معرفتی، توسعه افق فکر و اندیشه انسان، بخشی از آثار عبادت راستین در پیشگاه آفریدگار هستی است.

مردان بزرگی در عالم، راز موفقیت‌های بی‌شمار خود را در پرتو همین رفتار معنوی جستجو می‌کردند. یکی از مهم‌ترین شخصیتها که از افتخارات دنیای اسلام به شمار می‌آید، دانشمند پر آوازه ایرانی، شیخ الرئیس ابوعلی سینا است.

او دارای نبوغ فوق العاده و صاحب اندیشه‌های ارزشمندی بود و آن چنان در کسب علم و دانش پیشرفت نمود که در دوران نوجوانی سرآمد دانشوران عصر، در تمام علوم رایج زمان خود گردید و از اساتید معاصر بی‌نیاز شد. بو علی سینا با همه موفقیتها و موقعیتهایی که در زندگی نصیبش شده بود، راز حل مشکلاتش را در عبادت و عبادتگاهها می‌جست.

او در خاطرات خود آورده است: «شب و روز جز به تحصیل علم به چیز دیگری نمی‌اندیشیدم و به غیر از فهمیدن به چیز دیگری توجه نداشتیم. و به همین طریق پیش می‌رفتم، تا اینکه حقیقت هر مسئله‌ای برای من مسلم می‌شد و هرگاه در مسئله‌ای حیران بودم و یا نمی‌توانستم قضیه را بفهمم، به مسجد پناه می‌بردم، نماز می‌گزاردم و خالق هستی را ستایش می‌کردم. در این حال معمای من حلّ و مشکل برطرف می‌شد.»⁷

در اینجا به یکی از مهم‌ترین آثار عبادت در زندگی حضرت عسکری علیه‌السلام می‌پردازیم:

پیوند با ابدیت

انسانهای وارسته با دست‌یابی به مقام اطاعت و عبادت، از قید و بند اسارتها و بردگیهای درونی و برونی رهایی یافته، به قله‌های رفیع عظمت روحی و آزادی حقیقی می‌رسند. بندگان راستین حق که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیه‌السلام در رأس آنها قرار دارند، با ساییدن پیشانی خضوع در برابر قدرت لایزال حضرت باری تعالی به درجاتی از عظمت و شکوه دست می‌یابند که هرگز در مقابل الهه شرک و کفر و مظاهر مادی و رهبران زر و زور و تزویر، ذّره‌ای احساس شکست و تحقیر و ترس نمی‌کنند و به غیر از خداوند عالمیان فرمانروایی را نمی‌شناسند و فقط خداوند در منظر آنان بزرگ و غیر خدا کوچک می‌نماید و اینجاست که به ابدیت پیوسته و مشمول خطاب خداوندی می‌شوند که: «عَبْدِي أَطْعَمَنِي أَجْعَلَنَّكَ مَثَلِي، آتَا حَيًّا لَا أَمُوتُ أَجْعَلَنَّكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ، آتَا عَنِيَّ لَا أَفْتَقِرُ أَجْعَلَنَّكَ عَنِيَّ لَا تَفْتَقِرُ، آتَا مَهْمًا أَشَاءَ يَكُونُ أَجْعَلَنَّكَ مَهْمًا تَشَاءُ يَكُونُ»⁸

بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را جلوه‌ای از خودم قرار دهم، من زنده و ابدی هستم تو را نیز زنده و ابدی گردانم، من غنی بی‌نیاز هستم تو را نیز غنی گردانم، که نیازمند نباشی، من هر چه بخواهم انجام می‌شود تو را نیز چنین قرار دهم که هر چه بخواهی انجام شود.»

حضرت عسکری علیه‌السلام نمونه بارزی از چنین بندگان شایسته و ممتاز الهی بود که خداوند نیز همه چیز را در اختیار او نهاده و مطیعش گردانیده بود. به چند گزارش در این زمینه توجه کنید:

1. هنگامی که آن وجود گرامی را به یک زندانبان خشن و قسی‌القلب به نام نحریر سپردند، آن مرد ستم‌پیشه طبق دستور سرکردگان خود بر آن حضرت سخت گرفت و از آزار و اذیتش ذّره‌ای فرو گذاری نکرد. همسر نحریر وی را از این عمل باز داشته و با یادآوری مراتب عبادت، اطاعت و پرهیزگاری امام، شوهرش را از عاقبت شوم اذیت و شکنجه حضرت عسکری علیه‌السلام ترسانیده، پیوسته سعی می‌کرد که از فشارهای نحریر بر امام علیه‌السلام بکاهد؛ اما سخنان وی نه تنها در آن زندانبان زشت سیرت هیچ گونه تأثیری نداشت، بلکه وی تصمیم گرفت حضرت امام حسن علیه‌السلام را به قتل برساند. او بعد از اجازه از اربابان ستمگر خود، امام را در «برکه السباع» و در میان حیوانات درنده و وحشی رها ساخت و هیچ گونه تردیدی نداشت که آن حضرت به دست حیوانات وحشی کشته خواهد شد؛ اما بعد از لحظاتی به همراه همکارانش مشاهده کرد که امام عسکری علیه‌السلام در گوشه‌ای به نماز ایستاده و حیوانات وحشی گرداگرد حضرت با کمال خضوع و احترام سر به زیر انداخته‌اند. در اینجا بود که امام را فوراً از آن محل بیرون آوردند و به منزلش بردند.⁹

در زیارت آن حضرت با اشاره به این واقعه مهم چنین می‌خوانیم: «وَيَا إِمَامَ الْيَقِينِ الْيَقِينِ بِنِ عَالِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامِ الَّذِي طَرَحَ لِلسَّبَاعِ فَخَلَصْتَهُ مِنْ مَرَايِضِهِمَا؛¹⁰ [خدایا تو را] به حق امام مورد اعتمادت، حضرت حسن بن علی عسکری علیه‌السلام که در میان درندگان افکنده شد و تو او را از میان حیوانات وحشی نجات دادی.»

2. محمد بن اسماعیل علوی می‌گوید: «امام عسکری علیه‌السلام را زمانی در نزد علی بن اوتامش¹¹ که یکی از دشمنان سرسخت آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بود، زندانی کردند. او مردی زشت خو و بدسیرت [بود] و با خاندان علی علیه‌السلام عداوتی دیرینه داشت. از طرف خلیفه به او دستور داده بودند که هر چه می‌تواند امام علیه‌السلام را اذیت کند و بر او سختگیری نماید. اما ابّهت، هیبت و جلالت امام علیه‌السلام و حالات عرفانی و معنوی آن حضرت چنان آن مرد شقاوت‌پیشه را متحول کرد - باینکه حضرت عسکری علیه‌السلام بیش از یک روز در زندان او نبود - که صورت خود را به احترام حضرتش بر خاک می‌نهاد و سر خود را بالا نمی‌گرفت، و همراهی یک روزه این مرد با پیشوای یازدهم، رفتار و گفتارش را عوض نمود و حضرت عسکری علیه‌السلام را در منظر او نیک‌ترین مردم قرار داد.»¹²

3. احمد بن خاقان در مورد عظمت روحی و جاذبه وصف‌ناپذیر حضرت عسکری علیه‌السلام می‌گوید: «در شهر «سُرّ مَن رَأَى» هیچ کس از علویان راهمچون حسن بن علی بن محمد بن الرضا، نه دیدم و نه شناختم.

در وقار، سکوت، عفاف، بزرگواری و کرامت در میان خاندانش و نیز در نزد سلطان و تمام بنی هاشم همتایی نداشت. از هیچ یک از بنی هاشم، سران سپاه، نویسندگان، قاضیان، فقیهان، دبیران، وزیران، فرماندهان و دیگر افراد، درباره حسن بن علی سؤالی نکردم، مگر آنکه او را نزد آنان در نهایت بزرگی و ارجمندی یافتیم. مقام بلند، سخنان نیک، اطاعت و عبادت و معنویت، احترام در میان فامیل و سایر بزرگان، از جمله ویژگیهایی بود که من از زبان آنان در ستایش حسن بن علی شنیدم. بعد از این، ارزش و مقام وی در نظر بزرگ آمد و فهمیدم که دوست و دشمن او را به دیده احترام می‌نگرند و می‌ستایند.»¹³

و این همه تکریم و عزت نفس بخاطر عبادت و اطاعت و خضوع آن حضرت در برابر حق بود. همچنان که خودش فرمود: «مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلَّ وَلَا حَذَّ يَهْ ذَلِيلًا إِلَّا عَزَّ»¹⁴ هیچ عزیز [و صاحب شوکتی] از حق فاصله نگرفت، مگر اینکه خوار شد و هیچ خوار [و کوچکی] به حق نیبوست، مگر اینکه عزیز [و گرامی] شد.»

عبادت و تفکر

عبادت کننده‌ای که در طول زندگی از قوه تفکر و نیروی عقلانی خود بهره نگیرد، از اعمال معنوی و عبادتهای خویش سود چندانی نخواهد برد؛ چرا که ارزش و مراتب عالی اعمال، بستگی به معرفت هر شخص نسبت به معبود خود دارد و معرفت نیز حاصل نمی‌شود، مگر اینکه انسان با دیده عقل و اندیشه و دلی بیدار در قدرت و شکوه لایزال آفریدگار هستی بنگرد و در زوایای حیرت‌انگیز و شگفت آور این جهان با عظمت و آفریده‌های متنوعی که در گستره این عالم پهناور، طبق نظم خاص خود حرکت می‌نمایند و به دنبال اهداف خاصی سیر می‌کنند، بیندیشد.

عبادتی که توأم با معرفت باشد، هیچ‌گاه غرور آور نخواهد بود؛ بلکه هر چقدر شناخت و معرفت به معبود بالاتر رود، خضوع و تواضع در عبادت مضاعف گردیده، احساس لذت انس بیشتر خواهد شد و اینجاست که عبادت کنندگان با معرفت به همراه سرور و زینت عبادتگاران، حضرت زین العابدین علیه‌السلام این زمزمه را سر خواهند داد که: «سُبْحَانَكَ مَا عِبَدْنَاكَ حَقًّا عِبَادَتِكَ»¹⁵

معبودا! تو پاک و منزهی، ما حق عبادت تو را بجای نیاوردیم.»

با توجه به این نکات، گفتار خردمندانه حضرت عسکری علیه‌السلام را باید به دقت به گوش جان سپرد که فرمود: «لَيْسَتِ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ»¹⁶

عبادت [کامل] به بسیاری روزه و نماز نیست، همانا عبادت تفکر بسیار در امر خداوند است.»
پاورقیها:

12. كشف الغمه، ج3، ص286؛ اصول کافی، باب مولد ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام، حدیث 8.

1. عدة الداعي، ص194؛ شمس الضحی، ص594.

11. در کافی نام این مرد علی بن نارمش ثبت شده است.

14. تحف العقول، ص489.

13. الارشاد، ج2، ص321؛ اصول کافی، باب زندگانی امام عسکری علیه السلام حدیث اول.

15. صحیفه سجادیه، ص35.

10. مفتاح الفلاح، ص176؛ بحارالانوار، ج83، ص354.

16. تحف العقول، ص488.

2. عده الداعي، ص195.

2. عده الداعي، ص195.

3. مصباح المتعبد، ص227؛ مهج الدعوات، ص277.

4. اسحاق بن اسماعیل نیشابوری از بزرگان شیعه و از محدثین مورد اطمینان در نزد ائمه اهل بیت علیهم السلام بود. امام عسکری علیه السلام در تجلیل از مقام وی فرمود: «فَاتَمَّ اللَّهُ يَا اسْحَاقُ عَلَيَّ مَنْ كَانَتْ مِثْلَكَ - مِمَّنْ قَدْ رَحِمَهُ اللَّهُ وَبَصَّرَهُ بِصِيرَتِكَ - نِعْمَتَهُ، وَقَدَّرَ تَمَامَ نِعْمَتِهِ دُخُولَ الْجَنَّةِ؛ اي اسحاق! خداوند نعمت خود را برای هر کسی که مثل توست - که خدا به او مهر ورزیده و همچون تو او را بینایش گردانیده - کامل گرداند و تمام نعمت خود را با بهشت رفتن مقدر فرماید.» (مهج الدعوات، ص63 - 67)

5. طه/125 و 126.

6. تحف العقول، ص484؛ معجم رجال الحديث ج3، ص222.

7. زندگی ابوعلی سینا، ص29.

8. الجواهر السنیه، ص361.

پاك‌نیا، عبدالکریم

سراج